

## بررسی عوامل اجتماعی موثر بر خشونت خیابانی (مطالعه موردی: شهر ارومیه)

رضاعلی محسنی<sup>۱</sup>، سجاد معین فر<sup>۲</sup>، علی معین فر<sup>۳</sup>، پرویز علیزاده<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۲۶

چکیده

**زمینه و هدف:** هدف پژوهش حاضر، بررسی عوامل اجتماعی موثر بر خشونت خیابانی (مطالعه موردی: شهر ارومیه) می‌باشد. در پژوهش حاضر عمدتاً از تئوری‌های از بی‌سازمانی اجتماعی شاول و مک‌کی، یوال دیویس، ساندرز، دولارد، گسن، آنومی دورکیم، کنترل اجتماعی هیرشی استفاده شده است.

**روش بررسی:** پژوهش حاضر توصیفی از نوع پیمایشی بوده که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و به وسیله پرسشنامه محقق‌ساخته بر روی ۴۶۸ نفر از شهروندان شهر ارومیه در سال ۱۳۹۳ انجام گردید. به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه گام‌به‌گام از نرم افزار SPSS استفاده شد. پایایی پرسشنامه بر اساس آلفای کرونباخ (خشونت خیابانی ۰/۷۸، افول اخلاق در فرهنگ عامه ۰/۸۲، بزه‌دیده‌گی ۰/۷۵، کم‌رنگ شدن اعتقادات مذهبی ۰/۷۶، عدم رعایت هنجارهای ترافیکی ۰/۸۱، عدم رعایت اصول اخلاقی در روابط سیاسی بین مسئولان ۰/۶۹، جلب کردن توجه دیگران ۰/۷۷، عدم اجرای درست قوانین از سوی متولیان امر ۰/۸۴، قوم‌گرایی ۰/۸۶ و افت سرمایه اجتماعی ۰/۸۰) و برای روایی از روایی سازه و آزمون فرضیات تحقیق از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند گانه گام‌به‌گام استفاده شد.

**یافته‌ها:** تحلیل داده‌های این پیمایش نشان داد بین گرایش شهروندان به خشونت خیابانی با متغیرهای کم رنگ شدن اعتقادات مذهبی، افول اخلاق در فرهنگ عامه، عدم رعایت اصول اخلاقی در روابط سیاسی بین مسئولان، عدم رعایت هنجارهای ترافیکی، عدم اجرای درست قوانین از سوی متولیان امر، جلب کردن توجه دیگران، بزه دیده‌گی، افت سرمایه اجتماعی، قوم‌گرایی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج حاصل از رگرسیون گام به گام نشان داد که بزه دیده‌گی، افول اخلاق در فرهنگ عامه، جلب کردن توجه دیگران بیشترین تاثیر را در تبیین گرایش شهروندان به خشونت خیابانی دارد. که به صورت واقعی و تعدیل یافته ۳۴/۶ درصد از واریانس خشونت خیابانی توسط متغیرهای مستقل تبیین و پیش بینی می‌شود.

**کلید واژه:** خشونت خیابانی، بزه دیده‌گی، قوم‌گرایی، افول اخلاق در فرهنگ عامه

mohseninet@yahoo.com

sajjadmoefnar@gmail.com

alimoeinfar1341@gmail.com

parviz.a53@gmail.com

<sup>۱</sup> دانشیار جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی بررسی مسایل اجتماعی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز (نویسنده مسئول)

<sup>۳</sup> دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز

<sup>۴</sup> دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز

## بیان مسئله

مسائل اجتماعی جامعه، پدیده‌های اجتماعی، اعم از شرایط ساختاری و الگوهای کنشی هستند که در مسیر تحولات اجتماعی قرار می‌گیرند (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۳۷). مسائل اجتماعی به عنوان پدیده‌های نامطلوب، اذهان صاحب‌نظران و افکار عمومی را به خود مشغول داشته‌اند و خشونت از جمله مسائل اجتماعی می‌باشد که نه تنها متاثر از جنبه‌های مختلف حیات بشری است، بلکه بر آن‌ها نیز تاثیر گذار خواهد بود. خشونت رفتاری است که هدف آن صدمه زدن به خود یا دیگران از روی قصد یا عمد است (نیرومند زندی و همکاران، ۱۳۸۳: ۲۵). خشونت خیابانی رفتاری است که برای آسیب رساندن به دیگری از کسی سر می‌زند و دامنه آن از تحقیر و توهین، تجاوز، ضرب و جرح تا تخریب اموال و دارایی و قتل گسترده است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۱۱۳). از جانب دیگر خشونت خیابانی بر خلاف انواع دیگر آن عمدتاً پدیده‌ای شهری است و در شهرهای بزرگ که میزان آشنایی افراد با هم کمتر است، انگیزه ارتکاب آن نیز بیشتر است. خشونت خیابانی درگیری بدنی یا رفتار پرخاشگرانه و ستیزه جویانه است که حداقل شامل دو نفر است و از این منظر که در چارچوب و محدوده روابط متقابل اجتماعی تجلی و بروز می‌یابد می‌توان آن را به عنوان یک پدیده اجتماعی تعریف نمود (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۱۱). از منظر برخی از صاحب‌نظران یکی دیگر از موارد و عوامل مهم در گرایش افراد به خشونت خیابانی مشاهده آن پدیده و یادگیری آن طی فرایند اجتماعی شدن است. بر اساس تئوری یادگیری اجتماعی باندورا، رفتارهای ناهنجار، مثلاً گرایش به خشونت خیابانی زاینده یادگیری اجتماعی هستند (ربانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱۰). به نظر کلمن اگر سرمایه اجتماعی نابود شود روابط اجتماعی از بین می‌رود و در نتیجه انتظارات و تعهدات هم از بین خواهد رفت و نظام اعتمادی نابود و این امر منجر به خشونت خواهد شد (کلمن، ۱۳۷۷). وقوع جرم خشونت آمیز ممکن است سرمایه اجتماعی را از طریق کاهش احساس اعتماد در بین اعضای اجتماع کاهش دهد به عنوان مثال، موزر و هلند در تحقیقات خود یک رابطه دوری (چرخه‌ای) بین خشونت خیابانی و تخریب سرمایه اجتماعی یافته‌اند. آنها مطرح کرده‌اند، هنگامی که خشونت خیابانی اتفاق می‌افتد، تحرک فیزیکی در محل محدود می‌شود، فرصت‌های اشتغال و آموزش کاهش می‌یابد و افراد محل کمتر احتمال دارد که خانه‌های جدید بسازند یا املاک موجود را تعمیر یا بهبود ببخشند. این کاهش در سرمایه اجتماعی، بی‌اعتمادی ناشی از تخریب فراساختارها، تسهیلات و فرصت‌ها را افزایش داده و احتمال رفتار خشونت‌آمیز به ویژه در میان افراد جوان را در خیابان‌ها و محلات زیادتر می‌نماید

(چلبی و مبارکی، ۱۳۸۴: ۳۶). هیرشی معتقد است آنهایی که پیوند قوی با جامعه دارند از شکستن قواعد و معیارهای آن خودداری می‌کنند و آنهایی که پیوند ضعیفی با هنجارهای جامعه دارند و یا هیچ پیوندی با آنها ندارند، برای کجروی مستعدتر و آزادترند (ممتاز، ۱۳۸۱: ۴۰). بروس کوئن خشونت را بعنوان یک انحراف نتیجه نارسایی‌های موجود در یک فرهنگ و ساختار اجتماعی جامعه می‌داند (کوئن، ۱۳۸۶). وقتی در جامعه محتوای فرهنگ عمومی دچار خلا یا کاستی‌هایی می‌گردد و یا ارزش‌های متعالی که خوراک مناسب به فرهنگ هر جامعه می‌دهند دچار سوء کارکرد شوند، فرهنگ اخلاقی جامعه دچار اضمحلال و رکود می‌گردد. در چنین فضایی عادات و آداب نامناسب اخلاقی به جای ارزش‌های متعالی رشد و نمو یافته و ذهنیت شهروندان آن جامعه را دچار مسایل غیر اخلاقی می‌سازد. بعنوان مثال بخش ناسزاگویی زمانی گسترش می‌یابد که فرهنگ اخلاقی در جامعه کمرنگ شود (ناظری، ۱۳۸۹: ۳۰). گسترش دامنه خشونت خیابانی به ویژه در سال‌های اخیر در جامعه ایران یکی از جدی‌ترین آسیب‌های اجتماعی به شمار می‌رود. آمارهای نیروی انتظامی استان آذربایجان غربی نیز موید همین نکته‌اند. چرا که میزان ضرب و جرح از ۴۴۲۵ در سال ۸۷ به ۸۲۳۴ در سال ۸۸ در استان آذربایجان غربی رسیده است و این رقم در سال ۱۳۹۵ به ۱۵۲۳۷ مورد رسیده است. بنا بر اعلام نیروی انتظامی آذربایجان غربی نزاع و درگیری‌های خیابانی رتبه اول را در بین جرائم استان به خود اختصاص داده است. یکی از مهم‌ترین دلایل نزاع و درگیری‌های خیابانی در خیابان‌های استان به دلیل برخی مسائل ترافیکی و شیوه رانندگی شاهد نزاع‌ها و درگیری‌های خیابانی است. شهرستان ارومیه به دلیل اینکه بیشترین جمعیت استان را به خود اختصاص داده است و بسیاری از مردم از شهرستان‌های استان مهاجرت می‌کنند سبب ازدحام بیشتر مردم در معابر پرتردد شده و در نتیجه آمار نزاع و درگیری در این شهرستان نسبت به سایر شهرهای استان بالا است (قربانی، ۱۳۹۵). بر طبق نظر فرمانده انتظامی استان آذربایجان غربی در سال ۱۳۹۵ نزاع خیابانی مهمترین آسیب اجتماعی استان آذربایجان غربی و شهر ارومیه می‌باشد که آمار ورودی پرونده‌های دادگستری نیز موید همین نکته می‌باشد (سالنامه آماری، ۱۳۹۴). در این مورد تردیدی وجود ندارد که وجود خشونت در جامعه می‌تواند آسیب‌های جدی جسمی و روانی را به افراد و خسارت‌های بزرگی را به اموال وارد آورد و هنگامیکه اشاعه یابد می‌تواند آسیب‌های عمیقی را به روابط اجتماعی وارد سازد (پور چیت ساز، ۱۳۸۲: ۲۳). به طور معمول خشونت خیابانی از جمله مسایل اجتماعی است که علاوه بر ایجاد فضایی آکنده از خشم و نفرت و مکدر کردن روابط انسانی در بین اقوام مختلف، امنیت شهر ارومیه را نیز بعنوان

یک کلانشهر از جنبه‌های مختلف تهدید نموده و به نوعی انسجام جامعه را با مشکل روبرو می‌سازد. بنابراین با شناخت عوامل موثر بر خشونت خیابانی، می‌توان در جهت رفع مکانیسم‌های آن فرهنگ‌سازی کرده و با نظارت صحیح، به جای اعمال رویه‌های نامطلوب برای این مساله، بسترهای لازم و مناسب را حداقل به منظور کاهش آن فراهم آورد. در این راستا پژوهش حاضر در پی پاسخ به سوالات زیر می‌باشد: میزان گرایش شهروندان ارومیه به خشونت خیابانی تا چه حد می‌باشد؟ و عوامل اجتماعی موثر بر آن کدامند؟

### پیشینه تجربی

نتایج پژوهش طالب، نجفی اصل و احمدی اوندی (۱۳۹۶) با عنوان مطالعه کیفی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر نزاع‌های دسته جمعی (مورد مطالعه: شهرستان ایذه) نشان می‌دهد که تعصبات طایفه‌ای، جمع‌گرایی عمودی، همبستگی درون‌گروهی، پیوندهای خویشاوندی، مسائل ناموسی، عمومی شدن خشونت و نزاع، اختلافات ملکی، بیکاری، رقابت نخبگان، فروپاشی ساختار سنتی مدیریت، بی‌اعتمادی به مراجع قضایی و انتظامی، آگاهی از محرومیت، تجربه‌ی عینی نزاع (مشاهده و مشارکت) و مسائل و خاطرات ناخوشایند گذشته‌ی بستر و زمینه‌ی نزاع دسته جمعی را مهیا می‌کنند.

نتایج پژوهش جهانگیری و زهدیگلری (۱۳۹۳) با عنوان بر ساخت‌های شخصی پسران از نزاع‌های بین فردی خود در بستر محلات شیراز (مشارکت کنندگان: مهرجویان کانون اصلاح و تربیت استان فارس) نشان داد که پسران در فضای اجتماعی نامساعد محلات خود، به طور مکرر در معرض نزاع‌های متنوع قرار می‌گیرند. با این مواجهه، علاوه بر حساسیت‌زدایی نسبت به پدیده نزاع و مشروعیت بخشی به کاربرد آن، این قضیه در ذهن پسران خطور می‌کند که آنها نیز ممکن است قربانی نزاع شوند؛ بنابراین ترس از بزه‌دیدگی و همچنین پیش‌بینی قربانی شدن، آنها را به فکر چاره‌ای اساسی می‌اندازد. بر این اساس پذیرش ارتکاب نزاع، مطلوب‌ترین و اجتناب‌ناپذیرترین راهبرد برای حل مسائل شخصی و خانوادگی، در دسترس پسران محلات پایین شهری است. آنها با ارائه و نمایش یک نزاع شکوهمند و فتح آن، نه تنها مشکل حاضر خود را حل می‌نمایند، بلکه با کسب یک هویت قمپزی، از خطرات احتمالی آتی نیز پیشگیری می‌کنند. از نظر پسران، کسب هویت قمپزی در این محلات برای ادامه حیات ضروری است که منجر به کاهش آسیب و در نهایت باعث بیمه‌شدن خود و دگران مهم آنها در برابر انواع قربانی شدن می‌شود.

نتایج پژوهش نصیری (۱۳۹۳) با عنوان بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر گرایش به نزاع های دسته جمعی شهرستان کارون نشان داد که متغیر احساس محرومیت نسبی، قوم‌گرایی، اعتماد عمومی با گرایش به نزاع رابطه معناداری دارند.

نتایج تحقیق حیدری چروده (۱۳۸۹) تحت عنوان «تحلیل جامعه شناختی تاثیر رفتار قربانیان خشونت و ارتباط آن با رفتار خشونت‌آمیز علیه آنان» با جامعه آماری دختران و زنان ۱۸-۳۰ ساله ساکن در شهر مشهد نشان داد که مزاحمت از طریق وسایل نقلیه، زل زدن و خیره شدن و متلک پرانی از اشکال رایج رفتارهای خشونت‌آمیزی است که بیش از دو سوم زنان و دختران در طول دوره بررسی حداقل یکبار تجربه کرده‌اند. ضعف پایگاه اجتماعی- اقتصادی و رفتار غیراجتماعی قربانیان متغیرهای مستقلی‌اند که احتمال قربانی شدن زنان و دختران را در زمینه خشونت افزایش می‌دهند و بر عکس پایبندی مذهبی زنان و دختران مهمترین عاملی است که احتمال رفتار خشونت‌آمیز علیه آنان را کاهش می‌دهد.

یافته‌های پژوهش ربانی و همکاران (۱۳۸۸) تحت عنوان «بررسی عوامل اجتماعی- فرهنگی موثر بر گرایش به نزاع جمعی (مطالعه موردی شهرستان‌های منتخب استان ایلام)» به انجام رسید، نشان داد، الف) گرایش به نزاع در بین جامعه مورد بررسی متوسط به بالا بوده، ب) از بین متغیرهای مستقل مطرح شده، تأثیر کل متغیرهای پرخاشگری و قوم‌گرایی (به میزان برابر) بر متغیر گرایش به نزاع جمعی، بیش از سایر متغیرها بوده و ج) تأثیر متغیر کنترل اجتماعی بر گرایش به نزاع جمعی، کاهش‌دهنده بوده است.

نتایج پژوهش نظری و امینی فسخودی (۱۳۸۷) با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی عوامل موثر بر گرایش به نزاع جمعی، در مناطق روستایی استان ایلام» حاکی از تأثیر معنی‌دار مثبت متغیرهای "پر خاشگری"، "قوم‌گرایی" و "تجربه عینی نزاع" و همچنین تأثیر معنی‌دار منفی میزان تحصیلات بر روی میزان گرایش به نزاع می‌باشد. همچنین هیچ گونه تفاوت معنی‌داری بین دو گروه زنان و مردان و افراد متأهل و مجرد در مورد گرایش به نزاع در جوامع روستایی استان وجود ندارد.

آقاجانی (۱۳۸۳) در یک پژوهش انجام یافته در باره خشونت شهروندان، ضعف فرهنگی مزاحمان، درونی نشدن ارزش های دینی، شیوه‌های نامناسب تربیتی در خانواده، ناسازگاری خانوادگی، رفتار تبعیض‌آمیز والدین علیه فرزندان تهاجم رسانه‌ای بیگانه و عملکرد نامناسب سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی از عوامل موثر بر خشونت خیابانی قلمداد کرده است.

## مبانی نظری تحقیق

در این مقاله تلاش شده است که ابتدا مفهوم خشونت خیابانی و سپس نظریاتی در خصوص عوامل مرتبط با خشونت ذکر شود. خشونت در ادبیات علوم اجتماعی و حقوقی معانی متفاوتی دارد؛ چنانچه فکوهی خشونت را اعمال یک نیروی فیزیکی بر یک شی یا فرد یا گروه اجتماعی تعریف می‌کند (فکوهی، ۱۳۸۳: ۲۷۶). خشونت را می‌توان عملی آسیب رسان دانست که فرد برای پیشبرد مقاصد خویش انجام می‌دهد و صرفاً جنبه فیزیکی ندارد؛ بلکه ابعاد روانی (فحاشی، تحقیر، منزوی کردن، داد و فریاد، آزار و مزاحمت خیابانی و تجاوز) و اقتصادی (شکستن وسایل موجود در محیط اطراف) به خود می‌گیرد (کار، ۱۳۷۹: ۲۷۲). مفهومی از خشونت که در این پژوهش مد نظر بوده، نوعی از خشونت است که در فضاهای شهری رخ می‌دهد و رفتارهای غیرمدنی یا بی نزاکتی‌های عمومی را دربر می‌گیرد این رفتارها (مانند رفتار جوانان بی ادب یا رفتار متکدیان) گرچه به لحاظ قانونی جرم محسوب نمی‌شود، اما راحتی حضور مردم در فضاهای عمومی را از بین می‌برد. خشونت خیابانی رفتاری است که برای آسیب رساندن به دیگری از کسی سر می‌زند و دامنه آن از تحقیر و توهین، تجاوز، ضرب و جرح تا تخریب اموال و دارایی و قتل گسترده است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۱۱۳).

به نظر گسن (گسن، ۱۳۷۴: ۱۹) شایسته است در توضیح عمل خشونت آمیز بین دو رشته از عناصر فرق گذاشته شود: از یک سو، عوامل شخصیت و وضعیت که شناخت علت عمل را گزارش می‌دهند؛ از دیگر سو فرآیندهای تعامل که منجر به فعلیت یافتن می‌شود و پویایی عمل را تشکیل می‌دهد (همان: ۱۵۲). بدین ترتیب، عمل جنایی پاسخ شخصیت به وضعیت معین است. می‌توان علت شناسی خشونت را در «شخصیت بزه کار» یا در «وضعیت ماقبل جنایی» و یا در محل برخورد «عنصر» عمل قرار داد (همان: ۱۵۳).

«بزه دیده» به عنوان یکی از عوامل ماقبل جنایی می‌تواند نقش مهمی در فرآیند ارتکاب خشونت خیابانی بازی کند، چرا که او علاوه بر تسریع فرآیند گذر از اندیشه به فعل مجرمانه از طریق تحریک، ترغیب، اغوا، ... بزه کار بالقوه، ممکن است به خاطر خصوصیات آسیب شناختی، فرصت و مناسبت ارتکاب عمل را بر عنوان آماج‌هایی مناسب برای بزه کاران بالقوه فراهم نماید. در میان عواملی که به عنوان وضعیت ماقبل جنایی، زمینه ساز تحقق خشونت هستند، مطالعه قربانی خشونت و روابط او با مجرم و تأثیر عملکرد وی در تحقق پدیده مجرمانه از مهم‌ترین

موضوعاتی است که افق تازه‌ای را در تحقیقات جرم‌شناسی و قلمرو آن گشوده است (گسن، ۱۳۷۴: ۱۹۶).

بزه‌دیدگی نیز اغلب معلول عوامل مختلفی چون ضعف جسمی، عدم تعادل روحی و روانی، فقدان موقعیت اجتماعی و عدم مراقبت محیطی بوده و میزان «بزه‌دیدگی» برخی از افراد به لحاظ ویژگی‌های خاصی که دارند بیش از سایرین است. بنابراین می‌توان این گروه از بزه‌دیدگان را بزه‌دیدگان مستعد و بالقوه آسیب‌پذیر معرفی کرد (توجهی، ۱۳۷۷: ۲۸۶). به همین جهت زلیگ، یک قربانی کاملاً مناسب را به علت ویژگی‌های مستعدی که دارد، از مهم‌ترین وضعیت‌های پیش‌جنایی دانسته است (گسن، ۱۳۷۴: ۱۹۳). بی‌تردید، بزه‌دیده به عنوان رکن اساسی وضعیت ماقبل جنایی می‌تواند نقش مهمی در به جریان انداختن و طی طریق فرآیند خشونت خیابانی ایفا نماید و وجود افرادی آسیب‌پذیرتر از سایرین که کم و بیش برای بزه‌کاران بالقوه مطلوب بوده و آماج و اهداف مناسبی برای آنها محسوب می‌شوند، می‌تواند چه در مرحله شکل‌گیری «نقشه خشونت» و یا «اندیشه مجرمانه» و چه در مرحله عملی کردن آن، موجب تسریع حرکت فرآیند جنایی گردد.

به هر حال در مورد آن دسته از بزه‌دیدگانی که درباره آنها انتخاب صورت می‌گیرد، وجود مولفه‌هایی چون جذابیت، قابلیت کنترل، امکان دسترسی آسان، فقدان خطر یا کم‌خطر بودن آن و موارد مشابه، در امر گزینش آنان سهم خواهد بود. به عبارت دیگر می‌توان مدعی شد که میان بزه‌کاری و بزه‌دیدگی ارتباط و تشابه عمیقی وجود دارد (توجهی، ۱۳۷۷: ۲۸۵). بدینجسان می‌توان گفت که «خطر بزه‌دیده واقع‌شدن» به طور مساوی میان افراد جامعه توزیع نشده است (توجهی، ۱۳۷۷: ۲۸۶) و عده‌ای از افراد به خاطر عوامل آسیب‌شناختی و ویژگی‌های خاص، بیش‌تر از سایر افراد جامعه در معرض انتخاب شدن از سوی بزه‌کاران قرار دارند.

طبق نظریه دورکیم، در جوامع مکانیکی جرم طبیعی است (مجازات جنایتکاران که در تمام فرآیند نفرت‌انگیز تشبیه شده، نگهدارنده همبستگی اجتماعی است). در جوامع ارگانیکی کارکرد قانون، تنظیم کنش‌های متقابل بخش‌های مختلف جامعه است. هنگامی که این قوانین کافی نباشند، آنومی رخ می‌دهد. آنومی به مفهوم فقدان اجماع در مورد اهداف اجتماعی، انتظارات جمعی و الگوی رفتار برای اعضا جامعه است. این حالت منجر به محو و غیبت تدریجی آئوریت و ضابطه اخلاقی می‌شود و جامعه کنترل اجتماعی خود را از دست می‌دهد. هنگامی که جامعه در حال‌گذار و دگرگونی است، بسیاری از انسان‌ها دچار سرگردانی می‌شوند و قواعد و ارزش‌های جامعه، برای آنها بی‌اهمیت و کم‌ارزش می‌شود. از سوی دیگر ارزش‌های جدید و منطبق با شرایط نیز، هنوز در

جامعه جا نیفتاده است. در واقع جامعه دو ساخت دارد. در این جامعه برخی از ساخت کهن و برخی از ساخت نوین تبعیت می‌کنند (ساروخانی، ۱۳۷۶: ۱۲۸). از نظر دورکیم فروپاشی وجدان جمعی یا تضعیف آن، یعنی تضعیف یا فروپاشی نظام فرهنگ در جامعه سنتی، عامل پیدایش عدم تعادل و بی‌نظمی بوده و باعث نابودی همبستگی اجتماعی می‌گردد؛ دورکیم بر این باور است که هرگاه وضعیت هنجارهای اجتماعی نفوذ خود را بر رفتار فرد از دست بدهند، در آن صورت کج رفتاری اجتماعی پدید خواهد آمد (گیدنز، ۱۳۷۳: ۸۰). دورکیم معتقد بود زندگی بدون وجود الزام‌های اخلاقی یا ضرورت‌های اجتماعی تحمل‌ناپذیر می‌شود و در نهایت نیز به شکل‌گیری پدیده‌ی آنومی یعنی نوعی احساس بی‌هنجاری می‌انجامد که اغلب مقدمه‌ای برای بروز کجروی و نزاع است (کوزر، ۱۳۹۳: ۱۹۱).

در شرایط فقدان اخلاق جمعی جامعه آسیب محملی برای تنش خواهد بود. می‌توان انتظار داشت در چنین وضعیتی نیروی لذت جای اخلاق را بگیرد و حریم افراد را درنوردد. به بیان دورکیمی، آنومی ناخرسندی از کل قواعد اخلاقی، نفرت از کل نظم و به معنای توهین به اخلاق است. در واقع در شرایط آنومیک که مترادف با فساد و انحراف اخلاقی است، این دو عنصر آسیب می‌بینند (بخارایی، بیات و پرکیانی، ۱۳۹۵: ۱۰۲). در چنین شرایطی می‌توان انتظار داشت که به جای عدالت، تعدی و به جای تعادل، تضاد بر رفتار افراد حاکم شود و تنش سراسر جامعه را در بر گیرد. راه حل دورکیم در چنین وضعیتی، عدالت است. عدالت می‌تواند جامعه را به هم ننگه دارد چرا که نوعی قواعد جدید بین فرد و جامعه پدید می‌آورد. در واقع عدالت درمانی است برای آنومی (بخارایی، بیات و پرکیانی، ۱۳۹۵: ۱۰۳).

هیرشی معتقد است که بزهکاری و انحرافات اجتماعی نظیر خشونت زمانی اتفاق می‌افتد که قیود فرد نسبت به اجتماع ضعیف شود یا به کلی از بین برود. این قیود را تحت چهار مفهوم کلی می‌توان خلاصه کرد:

- وابستگی<sup>۱</sup>: حساسیتی است که شخص نسبت به عقاید دیگران درباره خود نشان می‌دهد. وابستگی در حقیقت نوعی قید و بند اخلاقی است که فرد را ملزم به رعایت معیارهای اجتماعی می‌کند. به نظر هیرشی، کسانی که به دیگران علاقه و توجه دارند، رفاه و احساسات آنان را در نظر می‌گیرند و با احساس مسئولیت نسبت به این افراد و حفظ ارتباط با آنها عمل می‌کنند. وی

<sup>۱</sup> attachment

برهمن اساس، یادآور می‌شود که افراد فاقد این وابستگی، نگران آن نخواهند بود که روابط اجتماعی آنان به خطر افتد. بنابراین بیشتر احتمال دارد که به خشونت روی آورند.

- تعهد<sup>۱</sup>: عنصر تعهد، بیانگر میزان پذیرش هدف‌های مرسوم جامعه و همچنین احساس دینی است که فرد نسبت به جامعه بر دوش خود احساس می‌کند. به عبارت دیگر، هیرشی بر آن است نشان دهد که هر قدر فرد نیاز بیشتری به سرمایه گذاری در خصوص کنش‌های موافق با جامعه احساس کند، دلیل بیشتری خواهد داشت که برای حفاظت از دستاوردهای خود با دیگران، همنوا بماند و در مقابل، کسانی که نیاز کمتری به این سرمایه گذاری احساس می‌کنند، خطر و ضرر کمتری را نیز در ارتکاب خشونت آمیز می‌بینند و حتی ممکن است در پی به دست آوردن فرصتی برای سود بردن از آن برآیند.

درگیر بودن<sup>۲</sup>: عنصر درگیری، بیانگر میزان مشارکت افراد در نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی است، به نظر هیرشی، کسانی که گرفتار کار، زندگی خانوادگی، سرگرمی و ... هستند، معمولاً فرصت کمتری برای درگیر شدن در رفتارهای کجروانه دارند. در عین حال به نظر او، همین مشارکت، فرد را در معرض انواعی از اهرم‌های کنترل اجتماعی قرار می‌دهد که افراد مرتبط با او، بر او اعمال می‌کنند. به همین نحو، آشکار است کسانی که در فعالیت مرسوم و متعارف جامعه مشارکت ندارند، فرصت و آزادی عمل بیشتری نیز برای دست یازیدن به رفتارهای کجروانه می‌یابند.

- باورها<sup>۳</sup>: عنصر باور نیز بیانگر میزان اعتقاد فرد به اعتبار قواعد اخلاقی و اجتماعی، باور او نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی جامعه و وفاداری وی به آنها است، به نظر هیرشی، اگر فردی جداً این باور را داشته باشد که درگیر شدن در گونه‌هایی خاص از رفتارها کار درستی نیست، مشارکت در آن رفتارها برای او دور از تصور خواهد بود. در مقابل، کسانی که اعتقاد و وفاداری ضعیفی نسبت به هنجارهای اخلاقی و اجتماعی دارند، ممکن است تمایل بیشتری به نادیده گرفتن آنها داشته و بیشتر به کجروی مبادرت ورزند (رابرتسون، ۱۳۷۲: ۱۷۶-۱۷۴).

از دیدگاه کنترل اجتماعی خشونت زمانی رخ می‌دهد که بزهکاران به این نتیجه می‌رسند که مکانیسم‌های کنترل اجتماعی و ارزشها و معیارهایی که سابق بر این، رفتارهای آنان را تعیین

<sup>1</sup> commitment

<sup>2</sup> involvement

<sup>3</sup> beliefs

می‌کرد، دیگر تاثیر زیادی ندارند از نظر آلبرت هانت<sup>۱</sup> کنترل اجتماعی رسمی به اشکال متفاوتی چون تلقی ساکنان از مسئولیت پذیری پلیس، مشروعیت پلیس و عدالت رویه‌ای، اثر بخشی و رضامندی از پلیس مفهوم سازی شده است (روزنیام، ۱۳۷۹: ۱۵۰).

با توجه به اینکه در این محله‌ها کنترل رسمی و غیررسمی کمتر صورت می‌گیرد لذا افراد با انواع فرصت‌های انحرافی آشنا می‌شوند. برابر نظر اوهلین سه خرده فرهنگ انحرافی وجود دارد:

۱. خرده فرهنگ‌های جنایتکار: در این خرده فرهنگ‌ها فعالیت‌هایی مثل دزدی، سرقت مسلحانه و انواع جنایت‌های سازمان یافته انجام می‌شود. خرده فرهنگ جنایتکار در واقع موفق‌ترین شکل ارتکاب جرم محسوب می‌شود ولی همه جوانان بزهکار فرصت پیوستن به خرده فرهنگ جنایتکار را پیدا نمی‌کنند و یا در بعضی از محله‌های شهر وضعیت متفاوت بوده و سازماندهی قوی این گروه‌ها دیده نمی‌شود.

۲. خرده فرهنگ خشونت طلب: این گروه‌ها متشکل از افرادی با رفتارهای خشونت آمیز است که توجه زیادی را در جامعه به خود جلب می‌کنند. اعضای این گروه‌ها که جذب گروه اول نشده‌اند اغلب مرتکب اعمال خشونت آمیزی علیه دیگران می‌شوند و با ایجاد دارودسته‌های خشن در محلات برای خود کسب منزلت و موقعیت می‌کنند. افراد این گروه‌ها دارای بدن قوی، جنگ تن به تن، جرأت و میل به خطر کردن هستند. این افراد در صورت امکان خیلی زود جذب گروه‌های جنایتکار می‌جوشوند.

۳. خرده فرهنگ‌های کناره گیر: این گونه افراد که فاقد جسارت و ویژگی‌های گروه دوم هستند، معمولاً جذب گروه‌های بالا نمی‌شوند و با مصرف موادمخدر خود را سرگرم می‌کنند. این افراد کسانی هستند که نه تنها از ابزارهای مشروع جامعه محروم مانده‌اند بلکه به ابزارهای نامشروع نیز دسترسی نداشته و دچار شکست می‌شوند. شکست در جامعه و شکست در زاغه؛ انحرافات این گروه شامل استفاده از موادمخدر و فروش آن می‌باشد (ممتاز: ۱۳۸۱: ۹۹).

بر طبق نظر یوال دیویس، قوم گرایی، جهان یکپارچه را دوشقه می‌کند؛ یعنی جهان ما را با جهان دیگران جدا می‌سازد (سونسون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸: ۱۶). این امر یعنی ایجاد گسست در جهان اجتماعی و پراکندن تخم نفاق در جامعه. بر طبق نظر هرزوک<sup>۳</sup>، (۲۰۰۷: ۷۵)، قوم گرایی خود باعث ایجاد بسیاری از جرم‌هاست. تأیید رابطه بین قوم مداری و ارتکاب جرم خود دلیلی بر این مدعاست

<sup>۱</sup> Hunter , A

<sup>۲</sup> Swenson

<sup>۳</sup> Herzog

(تاناسیچوک<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷: ۲۴). ساندرز مهم‌ترین شکاف‌های ساختاری را شکاف‌های اجتماعی مربوط به گروه‌های مذهبی و گروه‌های قومی - زبانی دانسته است. ساندرز در جمع‌بندی نتایج مطالعات و رویکردهای مختلف تاکید می‌کند که نتایج و واقعیتها، گویای اهمیت آشکار شکاف‌های مذهبی - قومی در پیدایش کشمکش‌های خشونت آمیز می‌باشد و شکاف ریشه دار قومی و زبانی به طور اجتناب ناپذیری مشکلات پیچیده‌های را برای یکپارچگی سیاسی و تامین نظم سیاسی و ثبات پایدار به وجود می‌جآورد (بنی هاشمی، ۱۳۸۲: ۶۶۵). بروز درگیریهای قومی و گروهی ناشی از هماهنگی قومی و گروهی است. بدین معنا که عواملی مثل: زبان، مذهب اجتماعی قومی، عادات و رسوم اخلاقی خاص قومی در زمره سرچشمه‌های اصلی هماهنگی قومی هستند که هزینه‌های فردی مروده در درون قوم را تحت تأثیر قرار داده و انتظارات را با ثبات می‌کنند و بر پیشرفت و حفظ هوشیاری و منافع گروهی و قومی و به تبع آن شناسایی گروهی تأثیر می‌گذارند و گروه قومی را انسجام می‌بخشند. در جوامع کثیر القوم هماهنگی‌های درونی هریک از اقوام هر چند در ظاهر بی‌ضرر و کاملاً به نفع گروه آنان است. اما همین هماهنگی قومی و گروهی مبنایی برای ایجادکنش سیاسی یک قوم علیه قوم دیگر فراهم می‌آورد، سه عامل کالای معنوی، شامل توزیع قدرت و پست‌های دولتی، کالاهای توزیعی نظیر منافع مادی، درآمد و رفاه و کنش متقابل بین این دو مورد از جمله عواملی هستند که هماهنگی گروهی و قومی را تقویت نموده و ماهیت درگیری‌های قومی را تشکیل می‌دهند. بر اساس نظریه ناکامی و ستیزه جویی دولارد وجود گروه‌های متمرکز، رقابت بر سر منابع و نابرابری قدرت از عمده دلایل نزاع بین گروه‌های قومی مختلف می‌باشند (صالحی امیری، ۱۳۸۵: ۹۲).

هاردن<sup>۲</sup> اعتقاد دارد که؛ ضمانت‌های اجرایی اجتماعی متشکل از هنجارها، قوانین و ... که در واقع مجموعاً حول یک محور اصلی، یعنی سرمایه‌های اجتماعی گردآمده اند و این عامل به منزله متضمن و ضمانت اصلی در فرآیند یک نظام ارتباطی است که در آن اعتماد اجتماعی بصورت واقعی وجود دارد و نبود یا فرسایش سرمایه‌های اجتماعی باعث از بین رفتن این شبکه روابط اجتماعی و در نتیجه عدم احساس روابط اجتماعی می‌شود که از نتایج آن کاهش همبستگی، وفاق، تعهدات اجتماعی، افزایش آنومی و آسیب‌های اجتماعی نظیر خشونت می‌شود (به نقل از قدیمی، ۱۳۸۶: ۳۳۵).

1 Tanasichuk

2 Hardin

تئوری بی‌سازمانی اجتماعی شاو و مک کی بر روی سازگاری گروهی نسبت به فرایندهای اجتماعی، از قبیل شهرنشینی و تغییر الگوهای رشد اقتصادی، بیشتر از بزهکاری فردی تاکید می‌نماید. اساس این تئوری آن است که برخی اجتماعات به خاطر اختلال در فرایندهای رسمی و غیر رسمی کنترل اجتماعی قادر به خود تنظیمی موثر<sup>۱</sup> نیستند. این شرایط منجر به مختل شدن ساختار سازمانی محله می‌شود که سست شدن پیوندهای ساکنان نسبت به همدیگر و نسبت به اجتماع را به دنبال خواهد داشت. در نتیجه برخی ساکنان به طور طولانی مدت از کنترل‌های اجتماعی هنجاری پیروی نخواهند کرد. چرا که این اجتماعات بی‌سازمان قادر به درک ارزش‌های مشترک ساکنان و حل مسائل مختلف نیستند. به خاطر این که آن‌ها نمی‌توانند وفاق مربوط به ارزش‌ها، هنجارها، نقش‌ها یا توافق‌های سلسله‌مراتبی را در میان اعضایشان ایجاد یا حفظ نمایند. بر طبق تئوری بی‌سازمانی اجتماعی، سرمایه اجتماعی پایه و اساس کنترل اجتماعی است، به خاطر این که آن نیروی جمعی بیرونی را برای تحمیل نظم به وجود می‌آورد و آن چیزی است که گروه‌ها را نسبت به تحمیل هنجارها و در نتیجه نسبت به افزایش سطوح کنترل غیر رسمی‌شان توانا می‌سازد. بنابراین، اجتماعات سازمان نیافته تا حدودی گرفتار جرم و شرایط منفی دیگر می‌باشند، به خاطر این که آنها قادر به انباشت سرمایه اجتماعی لازم نیستند (چلبی و مبارکی، ۱۳۸۴: ۲۶).

### مدل پژوهش

از آنجا که هدف ما در این پژوهش، بررسی عوامل اجتماعی موثر بر خشونت خیابانی بر مبنای دیدگاه‌های مطرح شده می‌باشد، باید گفت: در این زمینه تقریباً هیچکدام از نظریه پردازان به تحلیل جامع این پدیده نپرداخته‌اند و هر کدام جنبه‌های خاصی از آن را بررسی کرده‌اند. از همین رو، در این پژوهش، سعی شده است با استفاده از نظریات مختلف اندیشمندان، مدل نظری جامع‌تری برای بررسی دقیق‌تر موضوع به عنوان چهارچوب نظری ارائه شود.

<sup>۱</sup> Effectively self - Regulation

جدول (۱): متغیرهای موجود در پژوهش و سطح سنجش آن ها

نام متغیر	سطح سنجش	مبانی نظری	تعریف عملیاتی
کم رنگ شدن اعتقادات مذهبی	فاصله‌ای	تئوری هیرشی	پایبندی به شریعت و دستورات دینی شامل اخلاق و احکام دینی، علاقه و محبت به هم کیشان و احترام به پیروان ادیان دیگر، عدم گرایش به ظلم، عفو و گذشت، رعایت حلال و حرام، خوش اخلاقی و نیکوسازی رفتار، بیزاری از شر
افول اخلاق در فرهنگ عامه	فاصله‌ای	تئوری هیرشی، دورکیم	با ادب صحبت کردن با بزرگ ترها، اهمیت داشتن خوش رفتاری با دیگران، درستکاری و صداقت، وجود فرهنگ عفو و گذشت در جامعه
عدم اجرای درست قوانین توسط مسئولان امر	فاصله ای	هاردن، آلبرت هانتر	قاطعیت نیروی انتظامی و قوه قضاییه در برخورد با اراذل و اوباش، برخورد همراه با تکریم شهروندان توسط نیروی انتظامی، برقراری نظم و امنیت اجتماعی توسط نیروی انتظامی، اصل قانونمندی و تناسب مجازات ها
عدم رعایت اصول اخلاقی در روابط سیاسی بین مسئولان	فاصله‌ای	بروس کوئن، یادگیری اجتماعی آلبرت باندورا	تاثیر دعوای سیاسی در کشور در بروز خشونت، احساس خشنودی شهروندان از بداخلاقی های سیاسی و بین احزاب سیاسی در مجلس، استفاده مسئولین استانی از خشونت نسبت به زیردستان خود، امکان طرح آزادانه مباحث در مجلس حتی همراه با تندخویی و فحاشی نمایندگان
عدم رعایت هنجارهای ترافیکی	فاصله‌ای	تئوری هیرشی	رعایت حق تقدم، رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی هنگام عبور از خط عابر پیاده، رعایت آگاهانه و ارادی قوانین راهنمایی و رانندگی، رعایت قوانین و مقررات هنگام عبور از چراغ قرمز
جلب کردن توجه دیگران	فاصله‌ای	اوهلین	وارد شدن در دعوا و منازعه به خاطر جلب توجه، برخورد با ناقضان قانون و هنجارهای اجتماعی در محیط های شلوغ، احساس رهبر بودن در گروه هنگام دعوا و درگیری، دفاع فیزیکی از شهروندان به خاطر تحسین دیگران
بزه دیده گی	فاصله‌ای	ریموند گسن	آزار و اذیت فیزیکی شهروندان به خاطر متلک گویی آنان، رفتار طرف مقابل در هنگام دعوا، طرز پوشش و طرز رفتار شهروندان
افت سرمایه اجتماعی	فاصله‌ای	کلمن، شاو و مکی	حل و فصل منازعات صورت گرفته به عنوان میانجی، رفع مشکلات همسایگان، مشارکت در تامین امنیت محله، اعتماد به شهروندان، برخورداری از حمایت اجتماعی همسایگان، صداقت در جامعه
قوم‌گرایی	فاصله‌ای	دلارد، ساندرز، یوال دیویس	ازدواج درون قومی، تعامل صرف با قوم و طایفه خود، برتر دانستن قومیت خود

### فرضیه‌های تحقیق

- ۱- بین کم رنگ شدن اعتقادات دینی با گرایش شهروندان ارومیه به خشونت خیابانی رابطه وجود دارد.
- ۲- بین افول اخلاق در فرهنگ عامه با گرایش شهروندان ارومیه به خشونت خیابانی رابطه وجود دارد.
- ۳- بین عدم اجرای درست قوانین از سوی متولیان امر با گرایش شهروندان ارومیه به خشونت خیابانی رابطه وجود دارد.
- ۴- بین عدم رعایت اصول اخلاقی در روابط سیاسی بین مسئولان با گرایش شهروندان ارومیه به خشونت خیابانی رابطه وجود دارد.
- ۵- بین عدم رعایت هنجارهای ترافیکی با گرایش شهروندان ارومیه به خشونت خیابانی رابطه وجود دارد.
- ۶- بین جلب کردن توجه دیگران با گرایش شهروندان ارومیه به خشونت خیابانی رابطه وجود دارد.
- ۷- بین بزه دیده گی با گرایش شهروندان ارومیه به خشونت خیابانی رابطه وجود دارد.
- ۸- بین افت سرمایه اجتماعی با گرایش شهروندان ارومیه به خشونت خیابانی رابطه وجود دارد.
- ۹- بین قوم گرایی با گرایش شهروندان ارومیه به خشونت خیابانی رابطه وجود دارد.

### روش شناسی

روش مورد استفاده در این پژوهش پیمایش می‌باشد. جمع آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه محقق ساخته انجام گرفته است. جامعه آماری مورد مطالعه شهروندان بین سنین ۱۸ تا ۶۵ سال شهر ارومیه می‌باشد که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ کشور، کل جمعیت این گروه سنی ۶۶۷۰۲۴ نفر می‌باشند. قلمرو مکانی شهر ارومیه و قلمرو زمانی سال ۱۳۹۳ می‌باشد. حجم نمونه ۴۶۸ نفر از شهروندان ارومیه که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب گردیده‌اند. پس از تعیین حجم نمونه، شهر به پنج خوشه تقسیم شده، سپس مناطق هر خوشه با توجه به میزان تقریبی جمعیت هریک از محلات، نمونه مورد مطالعه انتخاب شده است. مناطق در این تحقیق عبارتند از منطقه ۱ شامل شهروندان ساکن در خیابان ابوذر، خیابان ولیعصر، خیابان صمدزاده، خیابان مجاهد، قاسمیه و اطراف ترمینال شهرستان. منطقه ۲ شامل خیابان‌ججهای امینی، عطایی، امام، کاشانی، خیام جنوبی و

شمالی، سرداران ۲۰۱. منطقه ۳ شامل خیابان استادشهریار، آپادانا و شهرک ایثار. منطقه ۴ شامل خیابان‌های میثم، البرز، فرهنگ، ساحلی و منطقه ۵ شامل خیابان دانشکده، مولوی، رودکی، بهداری، سعدی و آزادگان می‌باشد.

جدول ۲: نتیجه آزمون روایی به تفکیک طیف‌های پرسشنامه

افت سرمایه اجتماعی	۰/۸۰
قوم گرایی	۰/۸۶
عدم اجرای درست قوانین توسط متولیان امر	۰/۸۴
جلب کردن توجه دیگران	۰/۷۷
عدم رعایت اصول اخلاقی در روابط سیاسی بین مسئولان	۰/۶۹
عدم رعایت هنجارهای ترافیکی	۰/۸۱
بزه دیدگی	۰/۷۵
کم رنگ شدن اعتقادات مذهبی	۰/۷۶
افول اخلاق در فرهنگ عامه	۰/۸۲
خشونت خیابانی	۰/۷۸
نام طیف	آلفای کرونباخ

جهت ارزیابی اعتبار سازه‌ای گرایش شهروندان به خشونت خیابانی ضمن استناد به مبانی نظری تحقیق از تحلیل عامل استفاده شد. برای سنجش گرایش به خشونت خیابانی از گویه‌هایی نظیر: ۱- ضایع شدن حق کاندیدای مورد طرفدار در انتخابات و اقدام به خشونت در خیابان. ۲- توهین و فحاشی سایر گروه‌های قومی به، خانواده و اعضای گروه‌های قومی من، ۳- اقدام به خشونت خیابانی و شرکت در آن نشانه غیرت و مردانگی است. ۴- نرسیدن به حق و حقوق قانونی و اقدام به خشونت در خیابان. ۵- لطمه خوردن و حیثیت فامیلی و درمیان بودن مسئله ناموسی. ۶- بی‌احترامی به خویشاوندان و ریش سفیدان. ۷- تمایل به انتقام گرفتن از گروه‌های قومی دیگر.

## یافته‌های تحقیق

داده‌های تحقیق حاصل استخراج پرسشنامه‌هایی است که توسط ۴۶۸ شهروند ارومیه ای در شهر ارومیه تکمیل گردیده و اساس تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش حاضر قرار گرفته است که با استفاده از بسته نرم‌افزاری برای علوم اجتماعی (spss) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. از تعداد نمونه آماری ۵۷/۵ درصد شهروندان مورد مطالعه مرد و ۴۲/۵ درصد آنان زن بوده و تحصیلات ۱۰/۰ درصد شهروندان مورد مطالعه زیردیپلم، ۳۲/۵ درصد دیپلم، ۱۶/۵ درصد فوق دیپلم، ۳۶/۸ درصد لیسانس و ۴/۳ درصد فوق لیسانس می‌باشند. ۴۲/۱ درصد شهروندان مورد مطالعه مجرد و ۵۶ درصد آنان متاهل، ۰/۹ درصد از شهروندان مورد مطالعه طلاق گرفته و ۱/۱ درصد از آنان بی‌همسر، ۷۸/۲ درصد شهروندان مورد مطالعه ترک، ۱۶/۲ درصد شهروندان مورد مطالعه کرد و ۵/۶ درصد از آنان مسیحی می‌باشند. محل سکونت ۲۱/۶ درصد از شهروندان مورد مطالعه در منطقه ۱، ۲۱/۸ درصد در منطقه ۲، ۱۹/۴ درصد در منطقه ۳، ۱۲/۸ درصد در منطقه ۴ و ۲۴/۴ درصد از آنان در منطقه ۵ سکونت دارند. میانگین نمره گرایش شهروندان مورد مطالعه به خشونت خیابانی برابر با ۴۱/۲۷ درصد است که این نمره در مقایسه با دامنه نمره (۸ تا ۸۵ درصد) در حد متوسط است. میانگین افول اخلاق در فرهنگ عامه از نظر شهروندان ۲۸/۳۷ درصد که این نمره در مقایسه با دامنه نمره (۰ تا ۸۹ درصد) در حد پایینی است. میانگین نمره بزه دیده گی از نظر شهروندان ۵۲/۱۳ درصد که این نمره در مقایسه با دامنه نمره (۰ تا ۱۰۰ درصد) در حد متوسط به بالا است. میانگین نمره عدم رعایت هنجارهای ترافیکی توسط شهروندان ارومیه ۶۸/۴۵ درصد که این نمره در مقایسه با دامنه نمره (۰ تا ۱۰۰ درصد) در حد بالایی است. میانگین نمره جلب کردن توجه دیگران ۳۵/۲۶ درصد که این نمره در مقایسه با دامنه نمره (۰ تا ۱۰۰ درصد) در حد متوسطی است. میانگین عدم اجرای درست قوانین از سوی متولیان امر از نظر شهروندان ۴۶/۹۲ درصد که این نمره در مقایسه با دامنه نمره (۶/۲۵ تا ۹۷ درصد) در حد متوسطی است. میانگین نمره قوم گرایی شهروندان مورد مطالعه ۵۲/۳۱ درصد که این نمره در مقایسه با دامنه نمره (۰ تا ۱۰۰ درصد) در حد بالایی است. میانگین نمره افت سرمایه اجتماعی از نظر شهروندان ۴۵/۲۷ درصد که این نمره در مقایسه با دامنه نمره (۱۱ تا ۹۶ درصد) در حد متوسطی است. میانگین نمره کم رنگ شدن اعتقادات دینی از نظر شهروندان ۳۲/۳۶ درصد که این نمره در مقایسه با دامنه نمره (۰ تا ۹۴ درصد) در حد متوسطی است.

### آزمون فرضیه‌های پژوهش

در قسمت تحلیل داده‌ها با استفاده از تکنیک‌های آماری متناسب با سطح سنجش متغیرها، داده‌های تحقیق مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در این بخش برای سنجش و ارزیابی رابطه بین متغیرهای مستقل (بزه دیده گی، افول اخلاق در فرهنگ عامه، جلب کردن توجه دیگران، عدم رعایت اصول اخلاقی در روابط سیاسی بین مسئولان، عدم رعایت هنجارهای ترافیکی، عدم اجرای درست قوانین از سوی متولیان امر، قوم گرایی) که در سطح سنجش فاصله‌ای و توزیع نرمال با متغیر وابسته (گرایش به خشونت خیابانی) از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است که نتایج آزمون به شرح ذیل می‌باشد.

جدول (۳) ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل و گرایش شهروندان به خشونت خیابانی

سطح معناداری	همبستگی	حجم نمونه	همبستگی پیرسون	
۰/۰۰۱	۰/۲۳۶	۴۶۸	کم رنگ شدن اعتقادات مذهبی	گرایش شهروندان به خشونت خیابانی
۰/۰۰۱	۰/۳۶۷	۴۶۸	افول اخلاق در فرهنگ عامه	
۰/۰۰۱	۰/۲۹۸	۴۶۸	عدم رعایت اصول اخلاقی در روابط سیاسی بین مسئولان	
۰/۰۰۱	۰/۱۹۸	۴۶۸	عدم اجرای درست قوانین از سوی متولیان امر	
۰/۰۰۱	۰/۳۰۲	۴۶۸	عدم رعایت هنجارهای ترافیکی	
۰/۰۰۱	۰/۳۰۲	۴۶۸	جلب کردن توجه دیگران	
۰/۰۰۱	۰/۳۱۲	۴۶۸	بزه دیده گی	
۰/۰۰۱	۰/۱۷۵	۴۶۸	افت سرمایه اجتماعی	
۰/۰۰۱	۰/۲۰۷	۴۶۸	قوم گرایی	

بر اساس نتایج بدست آمده از جدول فوق ملاحظه می‌شود که تمامی متغیرهای موجود در پژوهش با گرایش شهروندان به خشونت خیابانی رابطه مستقیم و مثبت دارند. نتایج مندرج در جدول ۳ نشان می‌دهد که رابطه معناداری حداقل در سطح ۹۵ درصد بین گرایش شهروندان به خشونت خیابانی و متغیرهای کم رنگ شدن اعتقادات مذهبی ( $r=0/236$ )، افول اخلاق در فرهنگ عامه ( $r=0/367$ )، عدم رعایت اصول اخلاقی در روابط سیاسی بین مسئولان ( $r=0/298$ )، عدم

اجرای درست قوانین از سوی متولیان امر ( $r=0/198$ )، عدم رعایت هنجارهای ترافیکی ( $r=0/302$ )، جلب کردن توجه دیگران ( $r=0/302$ )، بزه دیده گی ( $r=0/312$ )، افت سرمایه اجتماعی ( $r=0/175$ )، قوم‌گرایی ( $r=0/207$ ) وجود دارد. در نهایت برای انجام تحلیل رگرسیونی کلیه عوامل موثر (متغیرهای مستقل: بزه دیده گی، افول اخلاق در فرهنگ عامه، جلب کردن توجه دیگران، عدم رعایت اصول اخلاقی در روابط سیاسی بین مسئولان، عدم رعایت هنجارهای ترافیکی، عدم اجرای درست قوانین از سوی متولیان امر، قوم گرایی) به روش گام به گام وارد مدل شدند.

جدول (۴) تحلیل واریانس رگرسیون چند گانه "خشونت خیابانی"

منبع تغییرات	درجه آزادی	مجموع مربعات	میانگین مربعات	ضریب همبستگی چندگانه	مجدور ضریب همبستگی	تعدیل شده	مجدور ضریب همبستگی	اشتباه معیار	F	سطح معناداری P
اثر رگرسیون	۷	۲۵۷۱۳/۹۷۸	۳۶۷۳/۴۲۵	۰/۵۹۷	۰/۳۵۶	۰/۳۴۶	۰/۳۵۶	۱۰/۱۳	۳۵/۸	۰/۰۰۱
	باقی مانده	۴۵	۴۶۵۰۷/۹۷۳							
کل	۴۶	۷۲۲۲۱/۹۵۱								

در جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که ضریب بتا برای ۷ متغیر حداقل در سطح ۹۵ درصد اطمینان از لحاظ آماری معنادار است. طبق جدول شماره ۲ ضریب نهایی رگرسیون چند گانه  $M.R = 0/597$  و مجدور آن یعنی ضریب تعیین  $= 0/356$  می‌باشد. همچنین ضریب تعیین تصحیح شده برابر  $0/346$  می‌باشد بنابراین به صورت واقعی و تعدیل یافته  $34/6$  درصد از واریانس خشونت خیابانی توسط متغیرهای مستقل تبیین و پیش بینی می‌شود.

جدول (۵) عناصر متغیرهای مستقل درون معادله برای پیش بینی گرایش شهروندان به خشونت خیابانی

سطح معنی داری	t	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد		مدل
		Beta	Std.Error	B	
۰/۰۰۱	۳/۶۳		۳/۵۶	۱۲/۹۴	عدد ثابت
۰/۰۰۱	۵/۳۳۲	۰/۲۱۵	۰/۰۳۴	۰/۱۸۳	افول اخلاق در فرهنگ عامه
۰/۰۰۱	۸/۱۲۹	۰/۳۱	۰/۰۲۸	۰/۲۲۴	بزه دیده گی
۰/۰۰۱	۳/۲۷	۰/۱۳۵	۰/۰۲۳	۰/۰۷۵	عدم رعایت هنجارهای ترافیکی
۰/۰۰۱	۳/۸۱۳	۰/۱۵۳	۰/۰۳۱	۰/۱۲۰	عدم رعایت اصول اخلاقی در روابط سیاسی بین مسئولان
۰/۰۰۱	۳/۹۱۳	۰/۱۶۲	۰/۰۲۷	۰/۱۰۵	جلب کردن توجه دیگران
۰/۰۰۳	۲/۹۶۲	۰/۱۱۴	۰/۰۲۹	۰/۰۸۵	عدم اجرای درست قوانین از سوی متولیان امر
۰/۰۰۷	۲/۷۲۱	۰/۱۰۵	۰/۰۳۱	۰/۰۸۳	قوم گرایی

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی چند گانه متغیرهای موجود در معادله را می توان به صورت استاندارد شده و در رابطه ریاضی زیر نشان داد

$$\begin{aligned}
 & ۱۲/۹۴ + (قوم گرایی) ۰/۱۰۵ + (عدم اجرای درست قوانین از سوی متولیان امر) ۰/۱۱۴ + (عدم رعایت هنجارهای ترافیکی) ۰/۱۳۵ + (عدم رعایت اصول اخلاقی در روابط سیاسی بین مسئولان) ۰/۱۵۳ + (جلب کردن توجه دیگران) ۰/۱۶۲ + (افول اخلاق در فرهنگ عامه) ۰/۲۱۵ + بزه دیده گی (۰/۳۱) = گرایش شهروندان به خشونت خیابانی
 \end{aligned}$$

همان طور که در معادله فوق مشاهده می شود گرایش شهروندان به خشونت خیابانی بیشتر از هر متغیر دیگری از متغیر بزه دیده گی شهروندان متاثر است . به عبارت دقیق تر، به ترتیب بزه دیده گی، افول اخلاق در فرهنگ عامه، جلب کردن توجه دیگران، عدم رعایت اصول اخلاقی در روابط سیاسی بین مسئولان، عدم رعایت هنجارهای ترافیکی، عدم اجرای درست قوانین از سوی متولیان امر، قوم گرایی تاثیر زیادی روی گرایش شهروندان به خشونت خیابانی دارند.

## بحث و نتیجه‌گیری

این تحقیق با این هدف شروع شد تا عوامل اجتماعی مرتبط با گرایش شهروندان ارومیه به خشونت خیابانی را مورد بحث و بررسی قرار دهد. میانگین نمره گرایش شهروندان مورد مطالعه به خشونت خیابانی برابر با ۴۱/۲۷ درصد است که این نمره در مقایسه با دامنه نمره (۸ تا ۸۵ درصد) در حد متوسط است. نتایج ضریب رگرسیونی نشان می‌دهد که ۷ متغیر بزه دیده‌جگی، افول اخلاق در فرهنگ عامه، جلب کردن توجه دیگران، عدم رعایت اصول اخلاقی در روابط سیاسی بین مسئولان، عدم رعایت هنجارهای ترافیکی، عدم اجرای درست قوانین از سوی متولیان امر و قوم‌گرایی در مجموع به صورت واقعی و تعدیل یافته ۳۴/۶ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین و توضیح کرده‌اند. نتایج مربوط به تحلیل رگرسیونی بیانگر این مطلب است که بزه دیده‌گی بیشترین ارتباط را بصورت مستقیم با گرایش شهروندان به خشونت خیابانی دارد.

نتایج تحقیق در ارتباط نظری با دیدگاه‌ها و نظریات مطرح شده گویای پیوند منطقی بین سطح نظری تحقیق و سطح تجربی آن است. نظریات بیجسازمانی اجتماعی شاول و مک‌کی، یادگیری اجتماعی باندورا، یوال دیویس، ساندرز و دولارد (قوم‌گرایی)، گسن (بزه دیده‌گی)، آنومی دورکیم، کنترل اجتماعی هیرشی و آلبرت هانتز بر عوامل موثر بر خشونت خیابانی تأکید کرده‌اند. هیرشی معتقد است که خشونت زمانی اتفاق می‌افتد که قیود فرد نسبت به اجتماع ضعیف شود یا به کلی از بین برود این قیود را تحت چهار مفهوم کلی (وابستگی، تعهد، درگیر بودن، باورها) می‌توان خلاصه کرد: عنصر تعهد، بیانگر میزان پذیرش هدف‌های مرسوم جامعه و همچنین احساس دینی است که فرد نسبت به جامعه بر دوش خود احساس می‌کند. به نظر هیرشی کسانی که اعتقاد و وفاداری ضعیفی نسبت به هنجارهای اخلاقی و اجتماعی دارند، ممکن است تمایل بیشتری به نادیده گرفتن آنها داشته و بیشتر به خشونت خیابانی مبادرت ورزند. از دیدگاه تئوری هیرشی، خشونت خیابانی مانند دیگر اشکال بزهکاری، معلول کاهش و فقدان نظارت و کنترل اجتماعی است. زمانی که کنترل اجتماعی تضعیف می‌گردد، متقابلاً یکپارچگی اجتماعی دستخوش زوال و نقصان می‌شود که این خود به کاهش اقتدار ناشی از یکپارچگی منجر شده و بالاخره در اثر آن توانایی پیشگیری مؤثر از بزهکاری و انحراف نقصان یافته، احتمال بروز خشونت افزایش می‌یابد. طبق نظریه بی‌سازمانی اجتماعی شوومک کی وجود تضاد فرهنگی در محلات و زوال وضعیت سازمانهای اجتماعی یکی از مهمترین علت جنایت است. بر طبق نظر گسن «بزه دیده» به عنوان یکی از عوامل پیش‌جنایی می‌تواند نقش مهمی در فرآیند ارتکاب خشونت

خیابانی بازی کند، چرا که او علاوه بر تسریع فرآیند گذر از اندیشه به فعل مجرمانه از طریق تحریک، ترغیب، اغوا، ... بزه کار بالقوه، ممکن است به خاطر خصوصیات آسیب شناختی، فرصت و مناسبت ارتکاب عمل را به عنوان آماج هایی مناسب برای بزه کاران بالقوه فراهم نماید. با توجه به رابطه مستقیم کم رنگ شدن اعتقادات مذهبی با گرایش شهروندان به خشونت خیابانی؛ نتایج پژوهش حاضر با دیدگاه هیرشی همسو می‌باشد.

با توجه به رابطه مستقیم عدم اجرای قوانین از سوی متولیان امر با گرایش شهروندان به خشونت خیابانی؛ نتایج پژوهش حاضر با دیدگاه هادون و دورکیم همسو می‌باشد، بطوریکه طبق نظر دورکیم در جوامع ارگانیکی کارکرد قانون، تنظیم کنش‌های متقابل بخش‌های مختلف جامعه است. هنگامی که این قوانین کافی نباشند یا درست اعمال نشوند، مسایل اجتماعی متنوعی رخ می‌دهد و خشونت خیابانی یکی از آنهاست. هادون (۲۰۰۳) معتقد است هنگامی که مردم پلیس را در کنترل جرم، ناکارآمد تلقی می‌کنند، ارتکاب خشونت بیشتر می‌شود.

با توجه به رابطه مستقیم افول اخلاق در فرهنگ عامه و عدم رعایت اصول اخلاقی در روابط سیاسی بین مسئولان با گرایش شهروندان به خشونت خیابانی؛ نتایج پژوهش حاضر با دیدگاه بی سازمانی اجتماعی شاو و مکی همسو می‌باشد، بطوریکه طبق نظریه بی سازمانی اجتماعی شاوومک کی وجود تضاد فرهنگی در محلات و زوال وضعیت سازمان‌های اجتماعی یکی از مهمترین علت جنایت است.

با توجه به رابطه مستقیم جلب کردن توجه دیگران با گرایش شهروندان به خشونت خیابانی؛ نتایج پژوهش حاضر با نظریه فشار آگنیو همسو می‌باشد، بطوریکه بر طبق نظریه فشار آگنیو یکی از انواع اهداف ارزشمند موقعیت و احترام است. این نوع یکی از ویژگی‌های بخصوص برای موقعیت مردان است. این نوع موقعیت از لحاظ فرهنگی متفاوت است، اما برای افراد و به منظور اثبات مردانگی شان، ممکن است برای دستیابی به این موقعیت مرتکب خشونت شوند. ویژگی‌هایی که با صفت مردانگی مرتبط است، اغلب از طریق رفتار خشونت آمیز نشان داده شده است. همچنین نتایج پژوهش حاضر با نتیجه تحقیق ظهور در یک راستا می‌باشد.

با توجه به رابطه مستقیم قوم گرایی با گرایش شهروندان به خشونت خیابانی؛ نتایج پژوهش حاضر با نظریه یوال دیویس همسو می‌باشد، همچنین با نتایج پژوهش ربانی و همکاران (۱۳۸۸) تحت عنوان «بررسی عوامل اجتماعی- فرهنگی موثر بر گرایش به نزاع جمعی (مطالعه موردی

شهرستان های منتخب استان ایلام)» به انجام رسید و در آن تحقیق نشان داده شد که قوم گرایی بیشترین تاثیر را بر گرایش به نزاع جمعی داشت، در یک راستا می‌باشد.

با توجه به رابطه مستقیم بزه دیده گی با گرایش شهروندان به خشونت خیابانی؛ نتایج پژوهش حاضر با نظریه گسن و ژان پیناتل همسو می باشد، بر طبق نظر گسن «بزه دیده» به عنوان یکی از عوامل پیش جنایی می‌تواند نقش مهمی در فرآیند ارتکاب خشونت خیابانی بازی کند، چرا که او علاوه بر تسریع فرآیند گذر از اندیشه به فعل مجرمانه از طریق تحریک، ترغیب، اغوا، ... بزه کار بالقوه، ممکن است به خاطر خصوصیات آسیب شناختی، فرصت و مناسبت ارتکاب عمل را به عنوان آماج‌هایی مناسب برای بزه کاران بالقوه فراهم نماید. هانری الن برگر نیز با به کار بردن مفهوم «بزه دیده پنهان» از اشخاصی نام می‌برد که از خود استعداد دایمی و ناخودآگاه در ایفای نقش بزه دیده بروز می‌دهند و ژان پیناتل (جرم‌شناس فرانسوی) آنها را به بره‌هایی تشبیه می‌کند که گرگ‌ها را به سوی خود جلب می‌کنند. همچنین نتایج پژوهش حاضر با تحقیق حیدری چروده در یک راستا می‌باشد.

### راهکارها و پیشنهادات

۱- زمانی که وجود الزام های اخلاقی یا ضرورت های اجتماعی زندگی تحمل ناپذیر می‌شود و به بی‌هنجاری می‌انجامد، باید جامعه و مسئولان را نسبت به امور اخلاقی و رعایت اخلاق که از ضروریات دین مبین اسلام است آگاه نمود تا نسبت به رعایت هنجارها و قوانین در جامعه اقدام نمایند.

۲- با توجه به ارتباط بین عدم اجرای درست قانون از سوی متولیان امر و گرایش به خشونت خیابانی پیشنهاد می‌شود؛ تقویت عملکرد موفق پلیس و اجرای صحیح قوانین که می‌تواند این اطمینان را ایجاد کند که قانون و مجریان آن کارایی لازم را دارند و نیازی به حل مسائل و مشکلات از راه‌های عرفی غیر قانونی نیست.

۳- برگزاری کارگاه های استانداردسازی تعالی رفتار ضابطین قوه‌قضاییه (پلیس) و حتی قضات در راستای حفظ منزلت شهروندان و برخورد احترام آمیز با آنان از یکسو و کسب دانش‌ها، گرایش‌ها و مهارت های معین جهت تغییر عینی رفتار در هنگام تعامل با شهروندان و جلب رضایتمندی آنان، در دستورکار قرار گیرد.

۴- با توجه به ارتباط بین عدم‌جرعایت هنجارهای ترافیکی و گرایش شهروندان به خشونت خیابانی پیشنهاد می‌شود شورای ترافیک استان در برنامه ریزی های ترافیکی خود موارد ذیل را بعنوان اولویت‌های فرهنگ‌سازي ترافیک مد نظر قرار دهند. اقدام به برگزاری دوره‌های آموزش مهارت های ارتباط موثر با شهروندان به متقاضیان اخذ گواهینامه با دریافت هزینه از خود آنان نماید. همچنین اقدام به برگزاری دوره‌های آموزش ضوابط رعایت حق تقدم در رانندگی و آموزش مکرر این قوانین از طریق وسایل سمعی- بصری بخصوص صدا و سیما که موجب می‌شود تا همه شهروندان با حقوق خود در رانندگی آشنا شوند و کمتر تصادف و برخورد در معابر به وجود بیاید.

۵- با توجه به ارتباط معنادار بین عدم رعایت اصول اخلاقی در روابط سیاسی بین مسئولان و گرایش شهروندان به خشونت خیابانی پیشنهاد می‌شود؛ مسئولان استانی و کشوری بد اخلاقی‌های سیاسی خود را کنار گذاشته یا حتی المقدور از انتشار بد اخلاقی های آنان در رسانه‌ها کاسته شود. همچنین بایستی مسئولان استانی برای برقراری نظم و رعایت قانون از خشونت کلامی نسبت به زیر دستان خود استفاده نکنند.

۶- با توجه به ارتباط بین قوم گرایی با گرایش شهروندان به خشونت خیابانی پیشنهاد می‌شود که؛ قوم گرایی افراد جامعه توسط مسئولان، نهادها و سازمان‌ها با در نظر داشتن احترام به این قومیت‌ها تعدیل شود. همچنین از دامن زدن به مسائل قومی در شهر ارومیه بپرهیزند.

۷- یکی دیگر از عامل‌هایی که در این بررسی ارتباط معنی داری با خشونت خیابانی دارد، عامل ضعف اعتقادات مذهبی در آنان است. در جامعه باید تلاش شود از راه‌های کارشناسی شده و درست، اعتقادات مذهبی را ملکه ذهن افراد در معرض آسیب قرار داد. چرا که افراد مذهبی کمتر دست به ناهنجاری های اخلاقی و اجتماعی می‌زنند. پایبندی دینی از جمله عوامل مؤثر در کاهش انحرافات اجتماعی است. پس باید به آموزه‌ها و رهنمودهای دینی توجه ویژه داشت و سازمان‌های مسئول، مثل اداره تبلیغات اسلامی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، صدا و سیما، مدارس، دانشگاه‌ها، باید توجه ویژه ای به این مهم داشته باشند و در نشر درست اندیشه‌های اسلامی به صورت کارشناسی و دقیق نهایت سعی و تلاش خود را بکار بگیرند.

۸- با توجه به یافته‌های تحقیق حاضر در زمینه ارتباط بین افت سرمایه اجتماعی و خشونت، به همسایگان توصیه می‌شود افرادی که در یک محله ساکن هستند با ایجاد انجمن‌های مختلف محلی و شرکت فعال در آنها به مرور زمان اعتماد متقابل را بین همسایگان به وجود آورند که خود این انجمن‌ها باعث تقویت سرمایه اجتماعی محل گشته و می‌توانند از بروز جرایم مختلف در آن محله

جلوگیری نمایند. علاوه بر آن، افرادی که عضو این انجمن‌ها هستند دیگر به خود اجازه ارتکاب جرم را نخواهند داد، چرا که در صورت انجام دادن رفتارهای کجرو، از طرف اعضای محله طرد خواهند شد.

منابع و مأخذ:

- ۱- آقاجانی، نصرالله. (۱۳۸۳). «تکثر خشونت در آزارهای خیابانی»، فصلنامه کتاب زنان، سال ششم، شماره ۲۳، ص ۱۶۰-۱۸۸.
- ۲- بخارایی، احمد، بیات، بهرام و پرکیانی، طاهره (۱۳۹۵) مطالعه عوامل اجتماعی موثر بر گرایش به نزاع های خیابانی در شهرستان بندرعباس، نظم و امنیت انتظامی، دوره ۹، شماره ۲ (پیاپی ۳۴)، ص ۹۷ - ۱۱۷.
- ۳- توجهی، عبدالعلی. (۱۳۷۷). جایگاه بزه دیده در سیاست جنایی ایران، پایان نامه دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۴- چلبی، مسعود و مبارکی، محمد. (۱۳۸۴). «تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان». مجله جامعه شناسی ایران. دوره ششم، شماره ۲ تابستان ۱۳۸۴، ص ۳-۴۴.
- ۵- حیدری چروده، مجید. (۱۳۸۹). تحلیل جامعه شناختی تاثیر رفتار قربانیان خشونت و ارتباط آن با رفتار خشونت آمیز علیه آنان. مجله بررسی مسایل اجتماعی ایران، سال اول، شماره دوم، تابستان ۸۹، ص ۵۵-۷۹.
- ۶- جهانگیری، جهانگیر و زهدبیگلری، سیدمحسن. (۱۳۹۳). برساخت های شخصی پسران از نزاع های بین فردی خود در بستر محلات شیراز (مشارکت کنندگان: مهرجویان کانون اصلاح و تربیت استان فارس)، مطالعات جامعه شناختی شهری (مطالعات شهری)، دوره ۵، شماره ۱، ص ۸۳-۱۰۸.
- ۷- رابرتسون، یان. (۱۳۷۲). درآمدی بر جامعه، ترجمه حسین بهروان، مشهد: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۸- ربانی خوراسگانی، رسول، عباسزاده، محمد، نظری، جواد. (۱۳۸۸). بررسی عوامل اجتماعی - فرهنگی موثر بر گرایش به نزاع های جمعی (مطالعه موردی: شهرستان های منتخب استان ایلام)، فصلنامه علمی پژوهشی انتظام اجتماعی، سال اول، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۸، ص ۱۰۴-۱۲۶.
- ۹- روزنبا، دنیس. (۱۳۷۹). پیشگیری وضعی از جرم، ترجمه رضا پرویزی، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، شماره ۳۲، ص ۱۴۷-۱۷۲.
- ۱۰- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۶). طلاق - پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- ۱۱- سالنامه آماری استان آذربایجان غربی. (۱۳۹۴).
- ۱۲- صالحی امیری، سیدرضا. (۱۳۸۵). مدیریت منازعات قوم در ایران، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- ۱۳- صدیق سروستانی، رحمت الله. (۱۳۸۷). آسیب‌های اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی). تهران: انتشارات سمت، چاپ چهارم.
- ۱۴- طالب، مهدی؛ نجفی اصل، زهره و احمدی اوندی، ذوالفقار. (۱۳۹۶). مطالعه کیفی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر نزاع‌های دسته جمعی (مورد مطالعه: شهرستان ایذه)، فصلنامه علمی پژوهشی توسعه اجتماعی، دوره ۱۱، شماره ۴، شماره پیاپی ۴۴، ص ۷۱-۱۰۲.
- ۱۵- عبداللهی، محمد. (۱۳۸۳). طرح مسائل اجتماعی در ایران ک اهداف و ضرورت ها. مجموعه مقاله های مسایل اجتماعی ایران، تهران: موسسه نشر آگه.
- ۱۶- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۳). انسان شناسی شهری، تهران: نشر نی.
- ۱۷- قدیمی، مهدی. (۱۳۸۶). بررسی میزان اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه های زنجان، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۳، ص ۳۲۵-۳۵۶.
- ۱۸- قربانی، رقیه. (۱۳۹۵). نزاع مهمترین آسیب اجتماعی استان آذربایجان غربی، روزنامه آراز آذربایجان، اسفند، ص ۴
- ۱۹- کلمن، جیمز. (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- ۲۰- کوزر، لوئیس. (۱۳۹۳). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، تهران: انتشارات علمی.
- ۲۱- کوئن، بروس. (۱۳۸۶). درآمدی بر جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- ۲۲- گسن، ریموند. (۱۳۷۴). جرم شناسی نظری، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران: انتشارات مجمع علمی و فرهنگی.
- ۲۳- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۴). جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- ۲۴- ممتاز، فریده. (۱۳۸۱). انحرافات اجتماعی، دیدگاهها و نظریه ها. تهران: شرکت سهامی انتشارات.
- ۲۵- ناظری، مهرداد. (۱۳۸۹). «افت سرمایه اجتماعی، گسترش نزاع های خیابانی» ماهنامه گزارش، سال نوزدهم، شماره ۲۱۶، اسفند ماه ۸۸ و فروردین ۸۹، ص ۳۰-۳۲.

۲۶- نصیری، نوراله. (۱۳۹۳). بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر گرایش به نزاع‌های دسته جمعی شهرستان کارون، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی.

۲۷- نظری، جواد و امینی فسخودی، عباس. (۱۳۸۷). تبیین جامعه شناختی عوامل موثر بر گرایش به نزاع جمعی در مناطق روستایی استان ایلام. فصلنامه علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. شماره ۵۴. ص ۱۸۷-۲۱۰.

۲۸- نیرومند زندی، کیانوش. حسین زاده، مریم. نجفی، دولت آباد، شهلا. علوی مجد، حمید. خاتمی زنوزیان، آزینا. (۱۳۸۳). «بررسی نوع و شدت صدمات جسمی ناشی از ضرب و جرح عمومی در زنان مراجعه کننده به مرکز پزشکی قانونی، شهر تهران در سال ۱۳۸۲». مجله پژوهنده. دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، جلد ۱۰، شماره ۱، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۴. ص ۹-۱۵.

29- Carr, S: Francis, Rivlin, L. G. & Stone; A.M.(1992). Public space, Cambridge University Press.

30- Herzog, S. (2007). Does the ethnicity of offenders in crime scenarios affect public perceptions of crime seriousness? A randomized survey experiment in Israel. Social Forces, 82, 757-781.

31- Svensson, Asa.(2008) .The Interlations between Ethnicity and Sexuality in Shyam Selvadurai's Funny Boy, School of Humanities Advanced Level English EN4094, Supervisor: Piia Posti 15 hp Examiner: Maria Olaussen June 4, 2008

32- Tanasichuk, Carriel .(2007) .The influence of offender and victim ethnicity on perceptions of crime severity and recommended punishment, A Thesis Submitted to the College of Graduate Studies and Research, In Partial Fulfillment of the Requirements For the Degree of Master of Arts, in the Department of Psychology, University of Saskatchewan, Saskatoon.